

منفی ۱۴.۲ درصد می‌رسد و در سال ۷۹ رشد ۱۱.۹ درصدی را ثبت می‌کند. به طور مشخص از سال ۸۲ تا ۸۵ در ۴ سال بی در پی، نقدینگی رشد می‌کند و در مجموع این ۴ سال ۱۷.۷ درصد افزایش می‌یابد؛ در مجموع سال‌های ۶۸ تا ۱۳۸۰، نرخ رشد واقعی نقدینگی معادل منفی ۵۲.۶ درصد است و در دهه ۸۰ این متغیر ۱۳.۶ درصد رشد می‌کند.

حجم واقعی نقدینگی در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ معادل ۴۲.۴ درصد جهش کرد

دهه ۹۰ تا سال ۱۴۰۱ را باید به دو بخش تقسیم کرد. از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ و از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱؛ در سال‌های ۹۱ تا ۹۶ حجم نقدینگی به غیر از سال ۹۲ همواره صعودی است. رکورددار رشد مثبت حجم واقعی نقدینگی، سال ۱۳۹۴ است زیرا در این سال نرخ رشد واقعی نقدینگی به مثبت ۳۱.۲ درصد می‌رسد و این رشد شدید در بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱ نظیر ندارد. بعد از سال ۱۳۹۴، دومین سالی که چنین رشد مثبتی به ثبت رسیده، سال ۱۳۸۵ است که در این سال رشد واقعی نقدینگی معادل ۱۹.۱ درصد است. در مجموع از سال ۹۱ تا ۹۶ نقدینگی به طور واقعی ۴۲.۴ درصد افزایش می‌یابد.

روند نزولی نرخ رشد واقعی نقدینگی سه سال اخیر

اما از سال ۱۳۹۷، روند معکوس می‌شود به طوری که نرخ رشد واقعی نقدینگی به غیر از سال ۹۸ همواره روند نزولی داشته است. در سال ۹۷ نرخ واقعی نقدینگی منفی ۶.۱ درصد بوده و در سال ۹۸ به مثبت ۴.۸ درصد می‌رسد اما در سال‌های ۹۹ تا ۱۴۰۱ به ترتیب منفی ۸.۴ درصد، منفی ۲۷.۴ درصد و منفی ۲۸ درصد می‌شود. سال ۱۴۰۱ رکورددار رشد منفی حجم واقعی نقدینگی است زیرا از سال ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ هیچگاه نرخ رشد واقعی نقدینگی این میزان منفی نشده است.

رکورد رشد منفی نقدینگی در سال ۱۴۰۱ شکسته شد

بررسی سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد نرخ رشد واقعی نقدینگی در اقتصاد ایران در طول این ۶ سال در مجموع معادل منفی ۵۵.۴ درصد بوده است. به عبارت دقیق‌تر حجم واقعی نقدینگی ۵۵.۴ درصد کمتر شده است. ضمناً اگر این متر و معیار را از سال ۹۸ تا ۱۴۰۱ قرار دهیم، در سال ۱۴۰۱ نرخ رشد واقعی نقدینگی نسبت به سال ۱۳۹۸، منفی ۵۳.۲ درصد بوده است.

بنابراین باید به آقای لیلان گوشزد کرد که اتفاقاً در ۴ سال اول دوران حاکمیت دولت تدبیر و امید رشد واقعی نقدینگی بسیار بالا بوده و

سال ۹۴ با ثبت رشد ۳۱.۲ درصدی رشد واقعی نقدینگی، رکورد پمپاژ نقدینگی به اقتصاد ایران شکسته شده و رشد واقعی نقدینگی در دوران دولت سیزدهم بشدت منفی بوده است.



آنچه که در حوزه متغیرهای پولی حائز اهمیت است، نسبت نرخ رشد نقدینگی با نسبت نرخ تورم و یا نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی و محاسبه آن است زیرا اتکای صرف به میزان رشد نقدینگی نمی‌تواند مبنای معیار مناسبی برای اندازه‌گیری حجم واقعی نقدینگی باشد

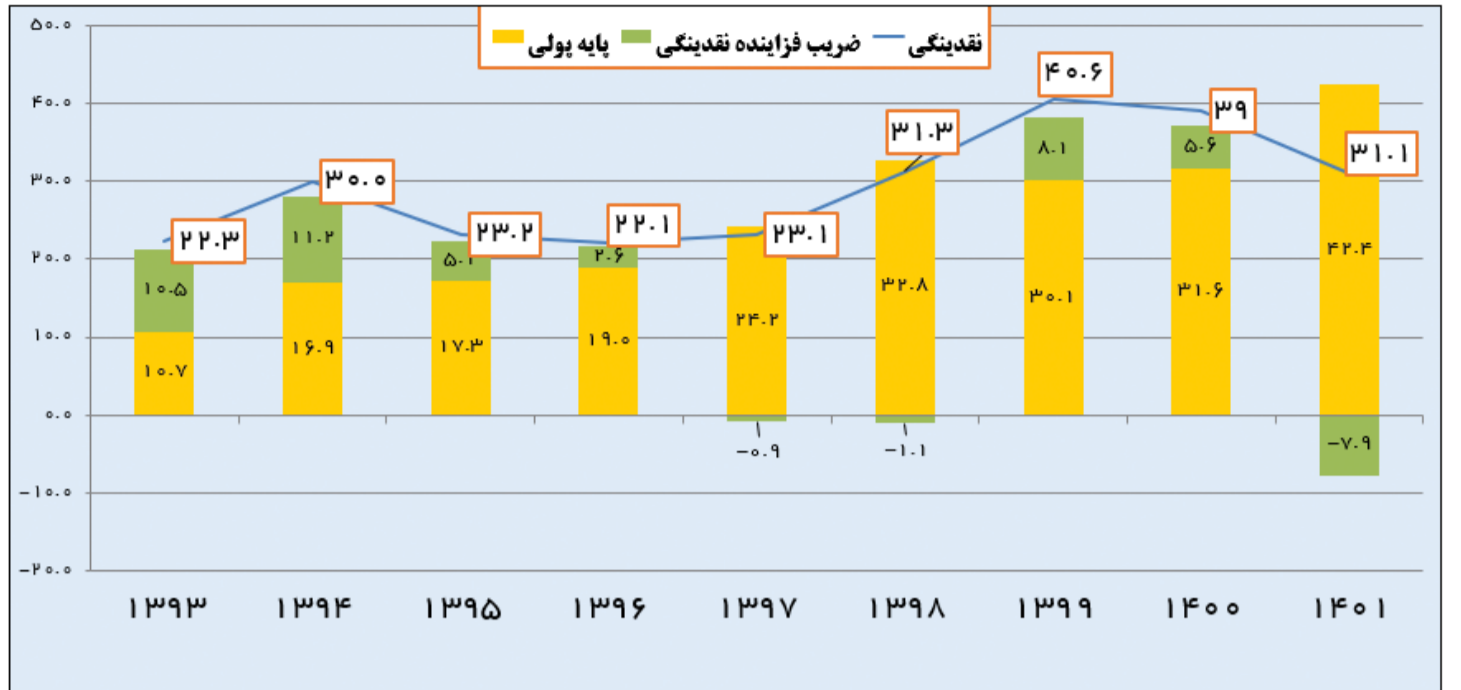
فقد آثار تورمی قابل توجه است و اگر بانک مرکزی این تقاضا را تأمین نکند، قطعاً رکود در اقتصاد شکل خواهد گرفت و تولید ناخالص داخلی (افزایش واقعی و به قیمت ثابت) کاهش خواهد یافت.

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری، همزمان هم نرخ تورم و هم رشد اقتصادی را در درون خود دارد و می‌تواند معیار سنجش مناسبی برای روند نرخ رشد واقعی نقدینگی در سال‌های اخیر باشد. بنابراین آمار و ارقام نشان می‌دهد نرخ رشد واقعی نقدینگی در طول سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ روند نزولی را طی کرده است به طوری که در این مدت نرخ رشد واقعی نقدینگی منفی ۵۲.۵ درصد بوده است. به عبارت دیگر حجم واقعی نقدینگی در مقایسه با رشد تولید ناخالص داخلی حدود نصف شده است.

روند نرخ رشد نقدینگی ۴ سال پایانی دهه ۷۰

در سال ۱۳۷۷ حجم نقدینگی پس از ۹ سال مثبت می‌شود به طوری که در این سال نقدینگی به طور واقعی ۷.۸ درصد رشد می‌کند. اما در سال ۷۸ مجدداً نرخ رشد نقدینگی به

ترکیب رشد نقدینگی



«ایران اقتصادی» ادعای سعید لیلان درباره افزایش بی سابقه نقدینگی در دولت سیزدهم را بررسی می‌کند

جعل تاریخ نقدینگی

موفقیت دولت سیزدهم در کنترل نقدینگی

گزارش

۹۳ هزار و ۸۵۷ میلیارد تومان) ۵۶.۷ درصد افزایش داشته است. حتی اگر افزایش سطح پوشش آماری را به رقم نقدینگی اضافه‌شده در دوران دولت سیزدهم اضافه کنیم، میزان رشد نقدینگی در این دوره به ۵۹ درصد می‌رسد. ممکن است گفته شود دوره شهریور ۱۴۰۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۲ فقط ۲۰ ماه است و لیلان ۲۳ ماه را در نظر گرفته است اما عمر فعالیت دولت سیزدهم ۲۰ ماه و در بالاترین حالت ۲۱ ماه است. وزرای دولت سیزدهم اوایل شهریور ماه مسئولیت را برعهده گرفتند و مراسم تنفیذ و تحلیف رئیس‌جمهور در روز ۱۰ و ۱۲ مرداد ماه انجام می‌شود.

در چنین حالتی اگر حجم نقدینگی در پایان مرداد ماه را هم ملاک قرار دهیم، میزان رشد نقدینگی از پایان مرداد ماه سال ۱۴۰۰ تا پایان اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۲ معادل ۶۲.۵ درصد (بدون حذف افزایش پوشش آماری، ۶۴/۵ درصد) است. بنابراین حتی اگر یک ماه به عمر فعالیت دولت سیزدهم اضافه کنیم باز هم حجم نقدینگی فاصله بسیار زیادی با رقم ادعایی دارد. بنابراین ادعای لیلان مبنی بر ۲ برابر شدن حجم نقدینگی در دوران فعالیت دولت سیزدهم کذب محض است.

تجربه مکرر ۲۰۵ تا ۲ برابر شدن نقدینگی هر چند سال یکبار

اما سؤال بعد، آیا می‌توان به این شکل درباره متغیرهای پولی صحبت کرد؟ اولین بار طهماسب مظاهری در سال ۱۳۸۶ از این روش غیرعلمی برای انتقاد از رشد نقدینگی استفاده کرد. او در چندین مصاحبه می‌گفت از ابتدای انتشار خلق پول تا سال ۸۴ فلان مقدار نقدینگی تولید شده و از آن تاریخ تا شهریور ۸۶ نقدینگی ۲ برابر شده است.

سعید لیلان که بیش از آنکه در حوزه اقتصاد دانش و اطلاعات داشته باشد، نسبت به بخش تاریخ‌آشنایی دارد، اگر یک مقایسه ساده انجام می‌داد، متوجه می‌شد رشد نقدینگی در دوره‌های مختلف بارها و بارها تکرار شده است. آمارهایی که از بانک

مرکزی در دست است، از سال ۱۳۵۷ تاکنون است. طبق آمارهای بانک مرکزی حجم نقدینگی از پایان سال ۶۰ تا پایان سال ۱۳۶۴ حدود ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. یعنی در این دوره ۴ ساله حجم نقدینگی به اندازه دوره ناصرالدین شاه تا پایان سال ۱۳۶۰ افزایش یافته است.

همچنین از پایان سال ۱۳۶۴ تا پایان سال ۱۳۶۸ باز هم حجم نقدینگی ۱۰۸.۳ درصد افزایش یافته است. یعنی باز هم در یک دوره ۴ ساله کل نقدینگی خلق شده معادل کل نقدینگی تولید شده از ابتدای تاریخ ضرب و چاپ پول تا ۱۳۶۴ معادل ۸ درصد کمتر از کل نقدینگی ایجاد شده در ابتدای سال ۶۵ تا ۸۰ هم همین مسأله وجود داشته است.

اما سؤال اصلی این است که استفاده از داده خام می‌تواند مبنای مناسبی برای قضاوت درباره آثار رشد نقدینگی باشد؟ قطعاً خیر. اما متأسفانه، کم سواد و بی‌سیاسی کاری نمی‌گذارد تحلیل‌ها از سطح ابتدایی فراتر برود.

در تحلیل نقدینگی رشد واقعی ملاک است، نه رشد اسمی

آنچه که در حوزه متغیرهای پولی حائز اهمیت است، نسبت نرخ رشد نقدینگی با نسبت نرخ تورم و یا نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی و محاسبه آن است زیرا اتکای صرف به میزان رشد نقدینگی نمی‌تواند مبنای معیار مناسبی برای اندازه‌گیری حجم واقعی نقدینگی باشد. در همین راستا یکی از متغیرهایی که در این زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرد، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری است. نقدینگی یک متغیر اسمی است

